

نگاهی به مددکاری در اسلام

محمد علی محبوبی

که گوید:

چنان قحط سالی شد اندر دمشق
که یاران فراموش کردند عشق

چنان آسمان بر زمین شد بخیل
که لب تر نکردند زرع و نخیل

بخوشید سرچشمه های قدیم
نماند آب، جز آب چشم یتیم

نبودی بجز آه بیوه زنی
اگر برشدی دودی از روزنی

نه در کوه سبزی نه در باغ شیخ
ملخ بوستان خورده مردم ملخ

در آن حال پیش آمدم دوستی
از او مانده بر استخوان پوستی

و گر چه به مکتت قوی حال بود
خداوند جاه و زر و مال بود

بدو گفتم ای یار پاکیزه خوی
چه در ماندگی پشت آمد بگوی

بغرید بر من که عقلت کجاست
چو دانی و پرسى سؤالت خطاست

نبینی که سختی به غایت رسید
مشقت به حد نهایت رسید

ضمن تبریک خجسته سالروز میلاد با سعادت بزرگ مددکاد جهان اسلام مولای متقیان، امیرمو'منان، علی(ع) و «روز مددکار» فرصت را مغتنم شمرده به پاس تجلیل از زحمات طاقت فرسای مددکاران و مددیاران عزیز در سرتاسر کشور پهناور جمهوری اسلامی ایران که شب و روز بی وقفه در انجام این وظیفه الهی و انسانی با جان و دل تلاش و کوشش می نمایند، بر آن شدیم که به گوشه هایی از ارزش و اهمیت این فریضه مهم از دیدگاه اسلام اشاره کنیم. به این امید که آتش عشق این امر خطیر و شغل شریف بیش از پیش در دلها مان شعله ور گردد.

تأثیر متقابل و بسیار عمیق وضعیت زیست مردم یک جامعه در یکدیگر است. تجربه تاریخی به ما می آموزد که نابسامانی و ناهنجاری در زیست و معیشت جمعی از افراد یک جامعه زندگی را بر دیگر اعضای آن جامعه تلخ و ناگوار می سازد. اصولاً متصور نیست که انسان نام خود را انسان بگذارد و از کنار مشکلات و گرفتاریهای هموعان خود بی تفاوت بگذرد.

سعیدی چه زیبا گفته است:

بنی آدم اعضای یک پیکرند
که در آفرینش ز یک گوهرند

چو عضوی به درد آورد روزگار
دگر عضوها را نماند قرار

تو کز محنت دیگران بی غمی
نشاید که نامت نهند آدمی

همچنین این معنا را در بوستان به وجه بسیار زیبا ترسیم نموده است آنجا

نظر کلی به امر مددکاری

مددکاری در مفهوم گسترده اش سابقه ای به درازای زندگی بشر دارد. از این رو در کهن ترین جوامع نیز آثاری از همدردی و امداد، منتهی در شکل ساده اش به چشم می خورد.

روانشناسان جدید ریشه و اساس مددکاری را در بعد سوم از ابعاد چهارگانه روح بشر یعنی بعد نیکی جوئی و نیکی رسانی عنوان می کنند. یعنی آدمی همانگونه که به شناخت حقایق عالم تشنه است و از زیباییهای گیتی لذت می برد نیکی به دیگران و نیکی دیگران به خودش را لذتبخش می یابد و بدان راغب و مایل است و چون بدان دست یابد احساس آرامش روحی در اعماق وجود خود می نماید.

ریشه اجتماعی مددکاری ناشی از





بدو گفتم آخر تو را باک نیست
کشد زهر جایی که تریاک نیست

گراز نیستی دیگری شد هلاک
نورا هست، بطراز طوفان چه باک؟

نگه کرد رنجبیده در من فقیه
نگه کردن عالم اندر سفيه

که مرد ارچه بر ساحل است ای رفیق
نیاساید و دوستانش غریق

من از بینوایی نیم روی زرد
غم بینوایان رخم زرد کرد

نخواهد که بیند خردمند ریش
نه بر عضو مردم نه بر عضو خویش

چو بینم که درویش مسکین نخورد
به کام اندرم لقمه زهرست و درد

روی این اساس پیامبران الهی و ادیان آسمانی و به پیروی آنان فلاسفه و عرفا و مصلحین اجتماعی همواره بر ضرورت تعاون، همدردی و همیاری با مستمندان و درماندگان تأکید داشته و بر این امر خطیر و حیاتی توجه و عنایت خاصی از خود نشان داده اند که نمونه بسیار روشن و بارز آن در دیانت مقدس اسلام در قرآن کریم و در بیانات و کلمات دربارہ رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) و همچنین در سیره آن بزرگواران به چشم می خورد، تا حدی که خود آن بزرگواران شخصاً به انجام این امر مهم و سازنده قیام و اقدام می فرمودند، چنانکه وجود مقدس مولی الموالی حضرت علی (ع) که روز مددکاری به نام نامی آن حضرت

اختصاص یافته است، شخصاً در نقش یک مددکار دلسوز، مهربان و کوشا در تارک تاریخ تابناک اسلام می درخشد که در این مقاله به گوشه هایی از فعالیت های آن حضرت اشاره خواهیم کرد.

اصولاً مکتب جان گرایی در میان مسلمانان و سرزمین های اسلامی بسیار اصیل، عمیق و ریشه دار است و نیازی نیست که آن را با دلایل و شواهد به اثبات برسانیم. یک نگاه کوتاه و گذرا به معارف انسان ساز اسلام و زندگانی افتخار آفرین پیشوایان مذهبی این معنا را آفتابی می سازد.

بطور کلی جان و حیات در مکتب اسلام تا آن درجه از اهمیت برخوردار است که آن را محور تمامی احکام و دستورات خود قرار داده است، بطور مثال هر قانونی که در فقه اسلامی برای ابدان وضع شده چه عبادی، چه سیاسی، چه اقتصادی همه برای این است که جان در منطقه خودش بتواند کار خود را درست انجام دهد. هوا سرد است نمی تواند غسل کند یا وضو بگیرد، می ترسد مریض شود، غسل نکند، وضو نگیرد، به جای آن تیمم کند.

اصولاً قوانین الهی برای این است که جان و حیات محفوظ بماند تا بتواند در پرتو عبادت و اطاعت به پرواز درآید و به اوج قرب حضرت حق نایل گردد.

بیجا نیست که شخصیتی مثل مولوی واژه «جان» را ۶۶۰۳ بار در دیوان شمس تکرار نموده و پروانه وار دور آن شمع می چرخد و از پرتو آن کسب فیض می نماید.

بزرگ حماسه سرای ایران اسلامی - فردوسی پاکزاد-، قرن ها پیش در این

معنا داد سخن را داده است. آنجا که گوید:

میا زار موری که دانه کش است
که جان دارد و جان شیرین خوش است

در مکتب اسلام تکاپو در معرفت و حفظ حیات و جان همانند و همطراز تکاپو در معرفت و شناخت جان آفرین است. اصولاً در اوج نگرش عرفانی جان از جان آفرین جدا نیست.

به هر حال مددکاری از ضروریات غیر قابل انکار برای هر جامعه و بخصوص برای جامعه اسلامی، می باشد. و با توجه به نقش مددکاری در رفع نیاز مستمندان و درماندگان و سامان بخشیدن به وضع نابسامان آنان لازم است این امر مهم انسانی و اسلامی در ابعاد گوناگونش بیش از پیش مورد توجه و عنایت مسئولین و دست اندرکاران قرار گیرد.

مددکاری از دیدگاه آیات و روایات

برخی از آیات و روایاتی را که در این زمینه وارد گردیده است، زینت بخش این اوراق قرار می دهیم:

۱- «و تعاونوا علی البر و التقوی و لا تعاونوا علی الاثم و العدوان.»
در مورد نیکی و پرهیزکاری همکاری کنید و نسبت به گناه و دشمنی همکاری نکنید.

(آیه ۲ از سوره مائده)
مفسر کبیر قرآن کریم مرحوم علامه طباطبائی (ره) در ذیل آیه می فرماید:

این دستور اساس سنت و رویه اسلامی است.



يعرض لك وله في غد. «
 علی (ع) فرمود: حاجت محتاج را هر چه زودتر برآورده ساز و آن را تا فردا به تعویق مینداز، زیرا از پیشامد فردایی خبری و نمی دانی برای تو و او چه روی خواهد داد.
 (تأمین اجتماعی در اسلام، ص ۱۵۸)
 ۷- قال علی (ع): «المواسات افضل الاعمال.»
 علی (ع) فرمود: مواسات و کمک مالی کردن به دیگران از بهترین و شایسته ترین عملهاست.

هر که حاجت برادر مؤمن خویش را برآورد، مانند آن است که در تمام مدت زندگانی خود، خدا را عبادت کرده است.
 (جامع السعادات نراقی، ج ۲، ص ۱۷۷)
 ۵- قال رسول الله... (ص): «من مشى في حاجة اخيه ساعة من ليل او نهار، قضاها اولم يقضها كان خيراً له من اعتكاف شهرين.»
 هر که یک ساعت در مدت شب و روز جهت انجام حاجت برادر مسلمان خود قدم بردارد چه آن را

۲- «للذين احسنوا في هذه الدنيا حسنة و لدار الآخرة خير و لنعم دار المتقين.»
 برای آنان که در این دنیا نیکی کرده اند پاداش نیک است، و سرای آخرت بهتر است و چه خوب منزلی است سرای پرهیزکاران.
 (آیه ۳۰ از سوره نحل)
 ۳- قال رسول الله... (ص): «من اصبح لا يهتم بامور المسلمين فليس بمسلم.»
 کسی که به امور مسلمانان توجه نمی کند مسلمان نیست.



(غررالحکم)
 ۸- قال علی (ع) عند وفاته: «... فی الفقراء و المساکین فشاركهم فی معاشکم.»
 امیر مؤمنان علی (ع) در وقت

بجا آرد، یا بجا نیاورد، این عمل برای او از دو عبادت بهتر است.
 (جامع السعادات، ج ۲، ص ۱۷۷)
 ۶- قال علی (ع): «لا تؤخروا انالة المحتاج الی غد فانک لا تدری ما

(جامع السعادات نراقی، ج ۲، ص ۱۷۶)
 ۴- قال رسول الله... (ص): «من قضی لایخیه المومن حاجة فکانما عبدا... همرة.»



شهادت در ضمن وصیتهای خود فرمود: خدا را خدا را، فقرا و نیازمندان را فراموش نکنید و آنان را در زندگی خود شریک قرار دهید. (تأمین اجتماعی در اسلام، ص ۱۵۳)

حضرت سیدالشهدا (ع) در نقش مددکار

۹ - در روز عاشورا بر پشت مبارک حضرت سیدالشهدا (ع) اثری مشاهده گردید. با تعجب علت آن را سؤال کردند آن حضرت فرمود: این اثر انبانی است که پدرم بر پشت خود می بست و به درب منازل بیوه زنان و یتیمان و نیازمندان می برد.

۱۰ - قال الصادق (ع): «ان لله عباداً من خلقه یفزع العباد الیهم فی حوائجهم، اولئک هم الامنون یوم القیامه.»

امام صادق (ع) فرمود: خداوند را بندگانی است که نیازمندان، نیاز خود را بر آنان عرضه می دارند، آنان در روز قیامت از عذاب ایمن هستند.

(تأمین اجتماعی در اسلام، ص ۲۱)

۱۱ - قال الصادق (ع): «ما قضی مسلم لمسلم حاجة الا ناداه... تعالی علی ثوابک و لا ارض بدون الجنة.» امام صادق (ع) فرمود: مسلمانی حاجت مسلمانی را بجا نمی آورد مگر اینکه خداوند متعال خطابش می کند: ثواب و پاداش تو به عهده من است و به کمتر از بهشت راضی نمی شوم.

(جامع السعادات نراقی، ج ۲، ص ۱۷۸)

آیات و روایات در این زمینه فوق حد احصاست و ما فعلاً در این مقابله به

همین مقدار بسنده می کنیم و از خداوند متعال در عمل به مضامین آنها یاری می طلبیم.

حضرت علی (ع) و مددکاری

چنانکه قبلاً اشاره کردیم حضرت علی (ع) بزرگ مددکار جهان اسلام می باشند و همین افتخار برای مددکاران عزیز کفایت می کند که در این امر مهم انسانی از مولای خود تبعیت می کنند و راهی را می روند که پیش از آنان علی (ع) رفته است و کاروانی تشکیل می دهند که سرخیل آن مولای متقیان است. لذا جا دارد که نیم رخی از سیمای نورانی آن بزرگ مددکار جهان اسلام پس از رسول خدا (ص) را در معرض دید شیفتگان و دلباختگان و پیروان حضرتش قرار دهیم.

در این راستا بنا به شهادت تاریخ باید گفت که پس از رسول خدا (ص) آن حضرت نمونه بارز و مصداق کامل و مثل اعلاّی یک مددکار اجتماعی است؛ و در این خصوص هیچکس دیگری با آن بزرگوار برابری نمی کند.

سخن در این زمینه بسیار است. محض رعایت اختصار به گوشه هایی از سیره و رفتار آن حضرت در این باره بسنده می کنیم. باشد که با الهام از سیره حسنه آن بزرگوار بیش از پیش بر ایمان و دلگرمی مددکاران و مددیاران تلاشگر ما افزوده گردد. قبل از هر چیز باید به این نکته توجه داشت که اصولاً فتوت و جوانمردی، ایثار و فداکاری چیزی است که به برکت وجود آن بزرگوار رنگ و بویی به خود گرفته است. اصولاً

نام «علی (ع)» در اذهان پیروان حضرتش جوانمردی، مردانگی، شهامت، شجاعت، فتوت، ایثار و... را تداعی می کند و به همین مناسبت است که قهرمانان و جوانمردان مکتب و مسلک خود را به آن حضرت نسبت داده بر آن می بالند. آری، به حقیقت حق قسم، علی (ع) برآستی جوانمردی است که تاریخ بشریت نظیر او را به خود ندیده است. کسی که درباره جوانمردی و ایثار و استقامت و رشادتهای وی در دفاع از اسلام و پیامبر اسلام (ص) سروش آسمانی در عالم بالا ندا سر می دهد که:

«لا فتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار.»

یعنی جوانمردی نظیر علی و شمشیری مانند ذوالفقار وجود ندارد. علی (ع) آن جوانمردی است که حتی درباره قاتل خود از قانون فتوت سرپیچی نکرد. روانشاد استاد شهریار چه نیکو این معنا را به نظم کشیده است آنجا که گوید:

به جز از علی که گوید به پسر که قاتل من

چو اسیر تو است اکنون به اسیر کن مدارا

اینک نمونه هایی از ایثار و جوانمردی و مددکاری آن حضرت:

۱ - محدث جلیل القدر مرحوم شیخ عباس قمی درباره بذل و بخشش آن منبع جود و سخا می نویسد: هر چه بدست آورد بذل کرد و با فاطمه و حسنین (ع) سه روز و شب روزه به روزه پیوستند و طعام خویش را به مسکین و یتیم و اسیر دادند و در رکوع انگشتی قیمتی خود را انفاق کرده و حق تعالی در شان او اهل بیت او سوره «هل اتی» و آیه



کلمات:

لا وحق المتجب بالوصیه، الحاکم بالسویه، العادل فی القضاة، العالی البیئة، زوج فاطمة المرضیة ما کان کذا. یعنی: سوگند به حق کسی که بر طبق وصیت برگزیده شد، و بر اساس برابر و مساوات حکم کرد، و با میزان عدل داوری نمود، آنکه گواه و بیته او برتر و بالاتر است و همسر فاطمه مرضیه (ع) می باشد، چنین چیزی رخ نداده است.

گوید: من تعجب کردم که دختری با این کودکی چگونه امیرمؤمنان علی (ع) را با این کلمات مدح می کند. از او پرسیدم که آیا علی (ع) را می شناسی که بدین تمجید او را یاد می کنی؟ گفت: چگونه نشناسم کسی را که پدرم در جنگ صفین در یاری او کشته شد و پس از آن ما یتیم گشتیم، آن حضرت روزی به خانه ما آمد و به مادرم فرمود: چونست حال تو ای مادر یتیمان؟ مادرم عرض کرد: به خیر است، پس مرا و خواهرم را که اینک حاضر است به نزد آن حضرت حاضر ساخت و مرض آبله چشم مرا نابینا ساخته بود. چون نگاهش به من افتاد آهی کشید و این دو بیت را قرائت فرمود:

ما ان تاوهت من شیء رزنت به
كما تاوهت للاطفال فی الصغر

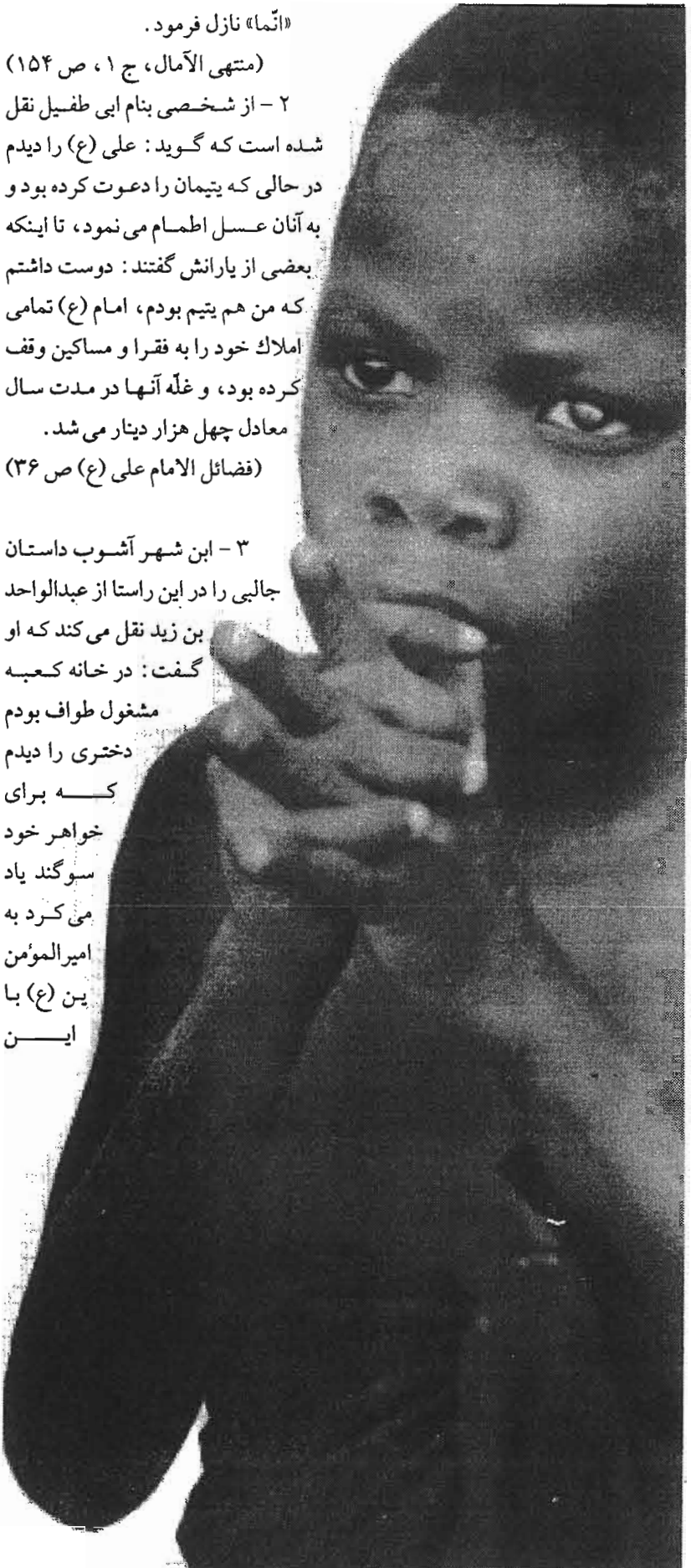
قدمات و اللهم من کان یکفلهم
فی النأبات و فی الاسفار و الحضر

یعنی از هیچ پیشامدی ناراحت نشدم و آه دردناکی از درون سینه نکشیدم مانند موقعی که بچه های کوچکی می دیدم که پدرشان را از دست داده اند و کسی هم ندارند که در گرفتاریها و ناملایمات و در

«اتما» نازل فرمود.

(منتهی الآمال، ج ۱، ص ۱۵۴)
۲- از شخصی بنام ابی طفیل نقل شده است که گوید: علی (ع) را دیدم در حالی که یتیمان را دعوت کرده بود و به آنان غسل اطمام می نمود، تا اینکه بعضی از یارانش گفتند: دوست داشتم که من هم یتیم بودم، امام (ع) تمامی املاک خود را به فقرا و مساکین وقف کرده بود، و غله آنها در مدت سال معادل چهل هزار دینار می شد. (فضائل الامام علی (ع) ص ۳۶)

۳- ابن شهر آشوب داستان جالبی را در این راستا از عبدالواحد بن زید نقل می کند که او گفت: در خانه کعبه مشغول طواف بودم دختری را دیدم که برای خواهر خود سوگند یاد می کرد به امیرالمؤمنین (ع) با این





سفر و حضر از آنها دستگیری کند.

آنگاه دست مبارکش را بر صورت من کشید و در زمان به برکت دست معجزنمای آن حضرت چشم من بینا شد چنانکه در شب تار شتر رمیده را از مسافت دور مشاهده می‌کنم.

(متهی الآمال، ج ۱، ص ۱۵۷)

۴- زنی را می‌بیند که مشک آبی بر دوش گرفته و به منزل خود می‌برد، مشک را از او می‌گیرد و به منزل وی می‌برد و از او می‌پرسد: چنین به نظر می‌رسد که همسر نداری که خودت آبکشی می‌کنی چطور شده که بی کس مانده‌ای؟

زن در پاسخ گوید: شوهرم را علی بن ایطالب به یکی از مرزها فرستاد و در آنجا کشته شد. اکنون منم و چند فرزند خردسال و از مال دنیا چیزی ندارم که امرار معاش کنم از این جهت ناچارم که کلفتی کنم.

علی (ع) برگشت و فردای آن روز صبحگاهان زنیلی برداشت و مقداری آذوقه و طعام در آن ریخت و براه افتاد، برخی از یاران آن حضرت عرض کردند: اجازه بدهید که زنیلی را ما حمل

کنیم. حضرت فرمود: کیست بار

تکلیف مرا جز خودم در روز قیامت بردارد؟ یکسر آمد و در زد زن پرسید:

کیستی؟ حضرت فرمود: من همان بنده دیروزی هستم که مشک آب را آوردم:

باز کن مقداری غذا برای بچه‌ها آورده‌ام، زن گفت: خدا از تو راضی

باشد و بین من و علی (ع) هم خودش حکم کند. علی (ع) وارد منزل شد.

فرمود: دلم می‌خواهد ثوابی کرده باشم اگر اجازه بدهی یا خمیر کردن و پختن

نان را من به عهده بگیرم یا نگهداری اطفال را. زن گفت: من به پختن نان

سزاوارترم تو از بچه‌ها نگهداری کن. زن رفت دنبال خمیر کردن و علی (ع)

هم مقداری گوشت که با خود آورده بود کباب کرد و به دهان هر کدام که لقمه‌ای

می‌گذاشت می‌گفت: فرزندم! علی بن ایطالب را حلال کن اگر در کار شما

کوتاهی کرده است. خمیر آماده شد. زن گفت: بنده خدا تنور را آتش کن!

علی (ع) تنور را آتش کرد. شعله‌های آتش زیانه کشید. علی (ع) صورت خود

را نزدیک آتش آورد و گفت: حرارت آتش را بچش، این است سزای آنکه در

کار یتیمان و بیوه زنان کوتاهی کند. در

همین حال زنی از همسایگان وارد شد و علی (ع) را دید و آن حضرت را

شناخت، رو به صاحب خانه کرد و گفت: وای به حالت این مرد امیرمؤمنان

است. زن جلو آمد و گفت: وای بر از خجالت و شرمساری، معذرت

می‌خواهم. علی (ع) فرمود: من از تو معذرت می‌خواهم که در کار تو کوتاهی

کرده‌ام. (تأمین اجتماعی در اسلام، ص ۱۹۴)

آری، کوتاه سخن علی (ع) کسی است که شبها در کوچه‌ها و محله‌های

کوفه انبان غذا به دوش می‌کشید و به سراغ یتیمان، مستمندان، بیوه‌زنان،

بیماران و نیازمندان می‌رفت. با این بیت این مقاله را به پایان می‌رسانم:

کتاب فضل تو را آب بحر کافی نیست

که ترکم به سر انگشت و صفحه بشمارم
